



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

دوشنبه ۱۴ سپتمبر ۲۰۲۰

فریده نوری

عاقبت بخیر

چندی قبل در یکی از وبسایت ها، یکی از نویسندگان محترم آن وبسایت، خاطرات شخصی را در مورد حوصله مندی پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه در مقابل نابسامانی های که توسط اعضای حزب خلق و پرچم به وجود آمده بود، به رشته تحریر درآورد. این خاطرات در مورد مظاهرات و خرابکاری های افرادی مربوط به حزب خلق و پرچم در سال های شصت عیسوی بود.

پادشاه افغانستان می خواست با حوصله و بردباری جریانات همان وقت را تحمل نموده و به این عقیده بودند که اگر این ها را آزاد بگذارد، بالاخره به راه راست خواهند آمد. اما غافل از این که مظاهره کنندگان به سرکردگی بیرک کارمل، اناهیتا راتیزاد و دیگر رهبران شان که از سر سپردگان شوروی بودند و تحت تربیه ک.ج.ب، قرار داشتند، برای شان وطن و ویرانی وطن هیچ اهمیت نداشت، باید به دستور بادران شان عمل می نمودند.

در مظاهرات که در پوهنتون کابل به وقوع پیوست، خوب به خاطر دارم که به سرکردگی نجیب تعدادی محدود از محصلین طب که بازی این خائن را خورده بودند، با دادن شعار ها برای عظمت و بزرگی بادر بزرگ شان روسیه شوروی فریاد سر می دادند، ویرانی وطن برای آن ها اهمیت نداشت؛ به شکستادن در و دیوار پوهنخی ها و اخلال دروس پرداختند و باعث بسته شدن پوهنتون برای شش ماه گردیدند.

نمی خواهم که زیادتیر باعث ضیاع وقت خوانندگان گرامی که از اعمال این مردود شدگان تاریخ افغانستان عزیز آگاه هستند، گردم، زیرا مقصدم از این مقدمه این است، که این سرسپردگان آله دست شوروی و ک.ج.ب، هیچ وقت ندامت از اعمال خود ندارند و به مجردی که برای شان موقع داده شود مانند موربانه عمل می کنند.

همه دیدیم که این سرسپردگان مارکسیزم و لینینیزم، که با شعار دادن های مرگ بر امپریالیسم گلو پاره نمودند، لاکن همه شان در همین ممالک به گفته خود شان امپریالیستی پناه گزین شدند. از مدتی است که بعضی از اعضای این حزب در این وبسایت و در آن وبسایت به نوشتن مضامین تخریش کننده بدون هیچ نوع شرم و حیا می پردازند، و احتمالاً آمرین این وبسایت ها هم همان پیشه صبر و حوصله را اختیار نموده و مضامین شان را به نشر می سپارند.

با وجودی که چندین مرتبه از طرف هموطنان شریف ما برای این اشخاص گوشزد گردید که از نبشته های ضد ملی و از اهانت مردم غیور ما که با شهادت بینظیری این وطن فروشان را با بادران شان شکست دادند و افغانستان عزیز را آزاد ساختند، جلوگیری کنند، اما این نوع اشخاص درسی که از بادران ک.ج.ب خود آموخته اند، که همانا گوش را به کری انداختن و به پروپاگند های تکراری دوام دادن است، ادامه دادند.

بعد از شکست دادن این جنایتکاران با بادران شان روسیه شوروی، به دست فرزندان فرزانه وطن، این خائنین لباس بدل نمودند و در بین مردم رخنه نموده همه را به جان یک دیگر انداختند، زیرا برای این خائنین جنایتکار، انداختن نفاق کشتن و از بین بردن و ویران نمودن وطن هیچ اهمیت ندارد و باید اهداف شان را پیش ببرند.

این ها رها کردنی نیستند که نیستند، و باید بالای زخم های مردم که توسط خود شان خلق شده است، نمک بپاشند.

به شیوه های مختلف که برای شان تدریس گردیده است، در وبسایت ها داخل شدند، اولاً شروع کردند به اصطلاح سر سر پلوان رفتن، بعداً به تبرئه نمودن حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم پرداختند، بعد از آن شروع به قهرمان سازی جنایتکاران آغاز کردند و اخیراً هم بدون هیچ نوع ندامت وجدان، می نویسند که چهل سال می شود که به ناحق ح.د.خ.ا شب و روز دشنام داده می شود. خداوند صبر بدهد.

به اطلاع این آقایان باید رسانده شود، که فرد فرد افغان تا آخرین رمق حیات خود به این حزب نادیموکراتیک خلق و پرچم نفرین می فرستد. بربادی، ویرانی و کشتار های ناحق مردم بی گناه و مظلوم توسط باند خلق و پرچم، فراموش ناشدنیست. زیادتیر از چهل و دو سال می شود که از تن وطن عزیز ما خون جاریست. انشا الله روز محکمه شان خواهد رسید. و انتقام هموطنان بیگناه ما گرفته خواهد شد و حق به حقدار رسیدنی است.